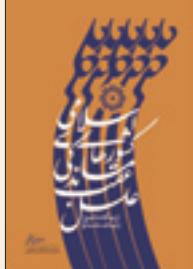


پیش‌خوان

«علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای» در آئینه یک پژوهش نوانتشار

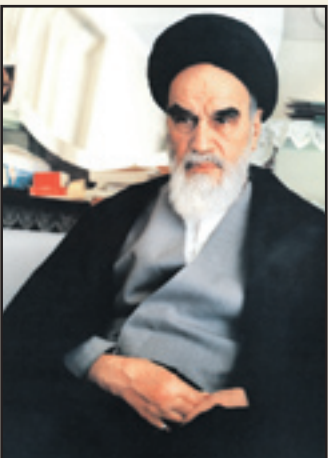
باز نمایي علل داخلي و خارجي يك انحطاط

■ محمدرضا کائینی



یکی دارد تا با غور در تاریخچه کشورهای اسلامی از دیگر، بسترهای انحطاط کشورهای اسلامی را دریابد و به مخاطب بنمایاند. این کتاب توسط راضیه مهربانی کوشکی تألیف شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است.
تارنمای ناشر در یادداشتی کوتاه، شیوه پژوهش مؤلف به موضوع، نتایج حاصله و نیز ترتیب ذکر مطالب در این تحقیق را، اینگونه بازتاب داده است:

«مرکز اسناد انقلاب اسلامی در جدیدترین اثر خود، علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را بررسی می‌کند. نسبت جهان اسلام با دنیای امروز، از موضوعاتی است که در آثار متفکران و اندیشمندان اسلامی معاصر، بسیار حائز اهمیت است. این ضرورت در اندیشه عالمانی که خود پیشرو و پیشگام بسط و اجزای قواعد دینی در چارچوب‌های سیاسی، می‌یابد. از این رو بررسی اندیشه رهبران انقلاب اسلامی – که بی‌شک بزرگ‌ترین رویداد اسلامی قرن اخیر برای حکومت‌دین در جامعه است– بسیار راهگشا خواهد بود. کتاب علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی



▼ دهه ۶۰ هجرامان

از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، از این منظر موضوعیت دارد که به یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام، از دیدگاه مهم‌ترین رهبران سیاسی مذهبی معاصر می‌پردازد. پرواضح است که پاسخ‌ها و چالش‌های مطرح شده، با راحل‌هایی ضمیمه است که در بررسی و ترسیم آن، منظومه و سپهر اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، درباره انحطاط و پیشرفت مسلمانان را تکمیل می‌نماید. این اثر در یک مقدمه و سه بخش سازماندهی شده‌است. در مقدمه کلیاتی همچون مفاهیم: پژوهش، روش تحقیق و مبانی نظری، بررسی باز تعریف می‌شود. نخستین بخش کتاب، به بررسی علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) اختصاص دارد. علل داخلی و خارجی انحطاط در کشورهای اسلامی و همچنین راهکارهای خروج کشورهای اسلامی از انحطاط، مهم‌ترین سرفصل‌های این بخش را تشکیل می‌دهند. در بخش دوم علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی، از دیدگاه آیت‌الله خمینی(ره) بررسی و تحقیق کتاب، به بررسی علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی و همچنین راهکارهای خروج کشورهای اسلامی از انحطاط، از دیدگاه آیت‌الله‌الگوی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در میان نظریات توسعه، آخرین عنوانی است که نویسنده بدان می‌پردازد. علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، به قلم راضیه مهربانی کوشکی به نگارش در آمده و در ۲۹۶ صفحه با قیمت ۶۰ هزار تومان، در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌است.»

تاریخ

تاریخ ۸۸۹۸۴۳۷



فضل‌الله زاهدی در دور نخست وزیری

دوران نخست‌وزیری

زاهدی در طول نخست وزیری، احياناً در يافته بود که پهلوی دوم تاب قدرت گرفتن دیگری را ندارد. شاه بيم داشت تا با ظهور رزم آرايی دیگر، تاج و تختش را از دست بدهد یا به مقامی تشریفاتی مبدل شود. هم از این روی نخستت به رايزنی با امريکايی ها پرداخت که حامی اصلی زاهدی به شمار می‌رفتند. با در یافت رضایت آنها، از طريق اسدالله علم به نخست وزیر گيرد. پیام داد که از مقام خویش کناره گيرد. زاهدی نخستت تصمیم به مقاومت گرفت، اما زود در یافت که حاميان خارجی پشت وی را خارجی پشت وی را خالی کرده‌اند!

روز در زیر نوشته شده و در نتیجه به جای ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ یا لاقلاً به‌جای ۱۳۳۳، ۲۲ مرداد خوانده می‌شود: ۱۳۳۲ مرداد علاوه بر آن به‌نظر می‌رسد که اقلاً، یک بار در آن دست برده شده، چون تاریخ روز آن دست خوردگی دارد و روی عدد ۲۳، دوبار قلم برده شده است. اما آنچه به واقعیت نزدیک‌تر به‌نظر می‌رسد، این است که تاریخ ۲۳ را شخص دیگری و با قلم دیگری، به متن فرمان اضافه کرده است. چون اولاً طرز نوشتن عدد دو و به‌خصوص عدد سه آن، با طریزی که نویسنده فرمان، عدد ۱۳۳۲ را نوشته، به کلی متفاوت است و ثانیاً عدد ۲۳ بسیار کلفت‌تر و درشت‌تر از عدد ۱۳۳۲ است و نکته آخر اینکه هر کس تاریخ این فرمان را نوشته – اعم از شاه یا هر کس دیگر– گویا با دستچاگی واضطراب آن را نوشته، زیرا مرداد را مرداد نوشته و بعداً هم متوجه اشتباه خود نشده و حتی با همین غلط، در کتاب روایت خاطرات اردشیر زاهدی هم به چاپ رسیده است…»

■ **۲ سال نخست وزیری، با مدد گرفتن از حاکمیت پلیسی**

در کارنامه دوساله نخست وزیری فضل‌الله زاهدی، آنچه بیش از هر چیز دیگر به چشم می‌آید، آماده‌سازی بستر برای ایجاد یک حکومت پلیسی است. او تمامی دستاوردهای نهضت ملی را به باد داد، روند سرکوب مدافعان آن را به شدیدترین شکل محقق نمود و کنسرسیونم نفتی و رابطه با انگلستان نیز، در دوره وی برقرار گشت. زاهدی با خود تصور می‌برد که امریکا همواره از وی حمایت خواهد کرد و او مرد قدرتمند ایران باقی خواهد ماند.

با این همه او بسیار کمتر از زمانی که تصور می‌برد، مورد ادبار امریکا قرار گرفت و مجبور به کناره‌گیری گشت. در مقالی بر تارنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چنین آمده است:

«زاهدی در ۲۸ مرداد، با کودتایی که از حمایت امریکا و انگلیس برخوردار بود، مصدق را بر کنار و زمینه بازگشت شاه را رزم فراهم ساخت و نخست‌وزیر کودتا شد. زاهدی در این دوره روزنامه‌های مخالف را توقیف کرد، موجی از بازداشت و سرکوب به راه انداخت، نظامیان معضوب مصدق را آزاد کرد و طرفداران وی را بازداشت نمود. سر لشکر باتمانقلیچ از زندان خارج شد و رئیس ستاد ارتش شد و سر تیب نعمت‌الله نصیری نیز پس از آزادی از زندان، به ریاست گارد شاهنشاهی منصوب گردید. در سه روز اول کودتا، ۵۰۰ نفر از شخصیت‌های سیاسی و نظامی وفادار به دولت مصدق، بازداشت و تبعید شدند. حزب توده که در دوره مصدق، در بسیاری از ارکان حاکمیت از جمله در ارتش نفوذ کرده بود، سرکوب شد و ۱۴ نفر از افسران این حزب تیرباران شدند. محاکمه مصدق، اعدام قاضی، برقراری مجدد رابطه با انگلیس، سرکوب اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران، از جمله رویدادهای مهم دوران کوتاه نخست وزیری زاهدی است. افزایش اقتدار زاهدی که از حمایت امریکایی نیز برخوردار بود، شاه را نگران کرد. در نتیجه شاه پس از سفری به امریکا در اسفند ۱۳۳۳، توانست موافقت آیزنهاور رئیس‌جمهور امریکا را برای تغییر دولت در خود جلب کند. از این‌رو در فروردین ۱۳۳۴ ایران شاه، امیراسدالله علم، زاهدی را برای استعفا تحت فشار گذاشت. زاهدی ابتدا اصرار علم را جدی نگرفت، اما هنگامی که پسرش اردشیر زاهدی، پیغام سفیر امریکا در تهران، مبنی بر ضرورت کناره‌گیری از نخست‌وزیری را نزد او آورد، تسلیم شد و پس از ۲۰ ماه، در ۱۶ فروردین از کار کناره گرفت. زاهدی سپس رهسپار ژنو شد و ریاست دفتر نمایندگی دائمی ایران در مقر اروپایی سازمان ملل را بر عهده گرفت. او تا پایان عمر خود، دو بار دیگر به تهران آمد. یکبار در سال ۱۳۳۶ برای شرکت در مراسم ازدواج پسرش با شهناز پهلوی و بار دیگر در سال ۱۳۳۷ که به وی وعده مناصب دولتی داده شده بود. سرانجام زاهدی در ۱۲ شهریور ۱۳۴۲، در ژنو سوئیس درگذشت…»

■ **تصویب کنسرسیونم با مجلس خود ساختار**

اغراق نکرده‌ایم اگر بگوییم که کودتای ۲۸ مرداد، بر کناری مصدق، روی کار آمدن زاهدی و طول کشیدن دولت وی به مدت دو سال، مجموعاً در راستای تحقق کنسرسیونم نفتی بود. امریکا و انگلیس پس از ملی شدن نفت، درصدد بودند که نفت ایران را در اختیار بگیرند و این امر، با نخست وزیری زاهدی به انجام رسید. از سوی دیگر زاهدی برای عملی ساختن آن را خود انتخاب مجلسی خود ساخته داشت که آن را با برگزاری پلیسی انتخابات مجلس هجدهم محقق ساخت. کنسرسیونم نفتی اما، با اعتراض گسترده فعالان سیاسی مخالف از جمله آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکترمحمد مصدق روبه‌رو شد. همین امر موجب گشت، تا دولت زاهدی نزد جامعه ایران بیش از پیش منفور شود. سعیده سلطانی مقدم پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این فقره معتقد است:

«زاهدی با برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس شورای ملی – که همه اعضای آن را خود انتخاب کرده بود– راه را برای انعقاد قرارداد کنسرسیونم و احیای امتیازات استعماری به سود انگلستان و امریکا، هموار کرد و بار دیگر برای مدتی طولانی، منابع طبیعی این کشور را به غارت داد. زاهدی که در جلسه مشترک مجلسین از محاسن



فضل‌الله زاهدی در گفت‌وگو با مصدق در دور نخست‌وزیری

پایان فضل‌الله زاهدی، به مثابه نقطه عبرتی در تاریخ

تبعید به ویلای گل سرخ از ترس پدیدآمدن رزم‌آرایی دیگر

در امر کودتای ۱۲۹۹ بود و پس از کودتا، به درجه

سرتیپی رسید. زاهدی همچنین در سرکوب سمیتقو و شیخ خزعل حضور داشت و به پاس این خدمات، به دریافت نشان درجه چهار ذوالفقار نائل آمد. او به حکومت خوزستان منصوب شد و در دوران سلطنت رضاشاه، مصدر مشاغل نظامی چون ریاست امنیه (ژاندارمری)، ریاست شهریانی و ریاست باشگاه افسران بود. زاهدی در ۱۳۰۸ به هنگام ریاست امنیه، برای سرکوبی شورش عشایر فارس به شیراز رفت، ولی پس از مدتی مورد سوءظن شاه قرار گرفت و به همراه نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله والی فارس، به تهران احضار و تنزل درجه یافت. او مدتی محبوس شد، تا اینکه بخشوده و آزاد شد. پس از خروج رضاشاه از ایران، فضل‌الله زاهدی به اتهام همکاری با آلمان‌ها، توسط متفقین بازداشت و به فلسطین تبعید شد و

پس از جنگ جهانی دوم، به ایران بازگشت و مدتی ریاست شهریانی کشور را به عهده داشت. در ۱۳۲۸ به عنوان سناتور انتصابی از همدان، به مجلس سنا راه یافت و در ۱۳۳۰ در دولت حسین علاء، به وزارت کشور منصوب شد و در اردیبهشت ۱۳۳۰ در دولت دکتر مصدق نیز، همین سمت را عهده‌دار بود. پس از

وقایع تیر ۱۳۳۰، بین زاهدی و دکتر مصدق اختلاف پدید آمد. او از وزارت استعفا داد و از مخالفین مصدق شد. مجدداً به سنا بازگشت و پس از انحلال مجلس نخست‌مصدق، در اسفند ۱۳۳۱ بازداشت شد و پس از دو ماه آزاد گردید، اما همکاری خود را با مخالفان دکتر مصدق ادامه داد و بالاخره در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و با همکاری کودتاگران، به عنوان نخست‌وزیر منصوب شاه، دولت دکتر مصدق را با ساقط کرد. زاهدی تا فروردین ۱۳۳۴، در مسند کار بود. فضل‌الله زاهدی که روزی نخست‌وزیر محبوب حکومت پهلوی بود، بنابه تقاضای شاه پس از دو سال از نخست‌وزیری استعفا کرد و به حالت تبعید از ایران خارج شد و به عنوان سفیر ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل – که مقر در آن ژنو بود– به سوئیس

رفت. فضل‌الله زاهدی در سن ۷۱سالگی، در شهریور ۱۳۴۲ درگذشت…»

■ **فرمانی که از بدو انتشار، مخدوش بود!**

در تاریخ معاصر ایران، زاهدی به عنوان چهره شاخص پروژه بر کناری محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شناخته می‌شود. با این همه ادله‌ای در دست است که این فرآیند از آغاز مخدوش و بی‌اعتبار کلید خورده است! گذشته از انحلال مجلس هفدهم، به صدور فرمان انتصاب زاهدی مبادرت ورزید و حتی تاریخ رسمی انحلال مجلس تصویب نگرفت، اما زود در یافت که حامیان خارجی پشت وی را خالی کرده‌اند!